

بررسی باستان‌شناختی در دره‌ی کران‌بزان، زاگرس مرکزی^۱

سجاد علی بیگی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران
sadjadalibaigi@gmail.com

کمال‌الدین نیکنامی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۱۳
(از ص ۷ تا ۲۶)

چکیده

طی بهار ۱۳۸۹ دره کران‌بزان با هدف کشف و شناسایی محوطه‌های باستانی و مطالعه چشم‌انداز فرهنگی آن مورد بررسی قرار گرفت. دره کران‌بزان دره طویل و باریکی است که در مرکز کوهستان‌های زاگرس واقع گردیده و شامل بخش‌هایی از غرب استان لرستان و بخش‌هایی از شمال‌شرقی استان ایلام در زاگرس مرکزی است. این دره به واسطه جریان رودخانه سیمره و پتانسیل‌های سرشار زیست محیطی قابلیت‌های فراوانی به‌ویژه در دوره پیش از تاریخ دارد. با توجه به قابلیت‌های فراوان منطقه و موقعیت مهم جغرافیایی آن در زاگرس مرکزی، منطقه کاملاً با پای پیاده و به‌صورت فشرده با هدف یک‌بار برای همیشه مورد بررسی قرار گرفت. منطقه مورد بررسی ۷۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و شامل دره‌ها، تپه ماهورها و ارتفاعات حاشیه رودخانه سیمره است. در نتیجه بررسی موفق به کشف تعداد قابل توجهی (۱۲۲ مکان) محوطه باستانی از کهن‌ترین دوره استقرار بشر تا به امروز شدیم. از این تعداد ۱۱۰ مکان مربوط به دوره پارینه‌سنگی، دو محوطه مربوط به دوره نوسنگی، یک محوطه مربوط به دوره مس‌وسنگ، دو محوطه عصر مفرغ، هفت محوطه مربوط به دوره تاریخی و هفت اثر و محوطه مربوط به دوره اسلامی است. این مکان‌ها شامل محوطه‌های باز دوره پارینه‌سنگی، روستاها و استقرارهای موقت، قلعه، آسیاب، کانال آبرسانی و دو گورستان است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که بیشترین شواهد به‌دست آمده در دره مربوط به دوره پارینه‌سنگی میانی است و در دوره‌های پس از آن به‌جز یکی دو استقرار دایم و شماری محوطه با پراکندگی سطحی مواد فرهنگی، معمولاً خالی از سکنه بوده است. این موضوع به احتمال فراوان در رابطه با کمبود اراضی حاصلخیز در دره و وضعیت ویژه زمین‌ریخت‌شناسی آن است.

کلیدواژگان: بررسی باستان‌شناختی، دره کران‌بزان، رودخانه سیمره، دوره پارینه‌سنگی، محوطه باز.

۱. این بررسی طی بهار ۱۳۸۹ به انجام رسید. اعضای هیأت در این فصل عبارت بودند از: سجاد علی بیگی، شکوه خسروی، محسن حیدری، میثم نیک‌زاد، محسن زینی‌وند، سیروان منهوی، سیروان محمدی قصریان، مهدی خلیلی و نسیم اسلامی. در این‌جا از تمامی این عزیزان برای همکاری‌های دلسوزانه و تلاش‌های بی‌دریغ‌شان متشکریم.

مقدمه

بررسی باستان‌شناسی حوزه آب‌گیر سد کران‌بزان در دره‌ای به‌همین نام با هدف شناسایی مکان‌های باستانی واقع در محدوده مورد آب‌گیری سد، زیر نظر پژوهشکده باستان‌شناسی و طی مجوز شماره ۸۸۲/۲۰۸/۲۸۹۷ به تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۳ به انجام رسید.

با توجه به این‌که این منطقه (دره گران بزان) در حوضه رودخانه سیمره در زاگرس مرکزی و مرکز کوهستان‌های زاگرس واقع گردیده، مطالعه و بررسی باستان‌شناسی آن، مهم و قابل تأمل است. اهمیت این منطقه در مطالعات باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ بر کسی پوشیده نیست و با توجه به توان‌های زیست محیطی فزاینده منطقه و اهمیت مناطق همجوار، همواره در پژوهش‌های باستان‌شناختی با اهمیت بوده است. به‌طور کلی منطقه زاگرس مرکزی همواره به‌عنوان منطقه‌ای مهم در مطالعات دوره پارینه‌سنگی و یکی از نقاط کلیدی دنیای باستان به‌عنوان نخستین کانون‌های اهلی‌سازی حیوانات و گیاهان مورد توجه بوده است (Braidwood 1960 a & b; 1961; Braidwood et al. 1961). با توجه به وجود قابلیت‌های فراوان محیطی نظیر منابع آب، سنگ‌های چخماق، خاک حاصلخیز و پوشش گیاهی و جانوری مناسب و ... این منطقه فرهنگ‌های مهمی را در خود رشد و پرورش داده است.

تأملی در نتایج پژوهش‌های بنیادی هیأت دانمارکی در دره هلیلان و مطالعات باستان‌شناختی در هرسین، دشت‌های کرمانشاه، ماهیدشت و منطقه کوه‌دشت (در مجاورت منطقه مورد پژوهش) نشان‌دهنده قابلیت‌های فراوان منطقه در گذشته‌های دور و نزدیک است. بر این اساس پیش از انجام بررسی به‌نظر می‌رسید که با انجام بررسی این منطقه بتوان محوطه‌های فراوانی را از دوره پارینه‌سنگی و آغاز استقرار در روستاها، تا به امروز کشف، شناسایی و مطالعه نمود. بر این اساس داده‌های این پژوهش در کنار داده‌های پژوهش‌های پیشین می‌توانست پرسش‌های چندی را پاسخ‌گو باشد و اطلاعات بسیار مهمی را به دانش ما درباره گذشته منطقه بیفزاید.



تصویر ۱: تصویری از بخش شمال‌شرقی دره کران‌بزان در فصل بهار (نگارندگان، ۱۳۸۹).

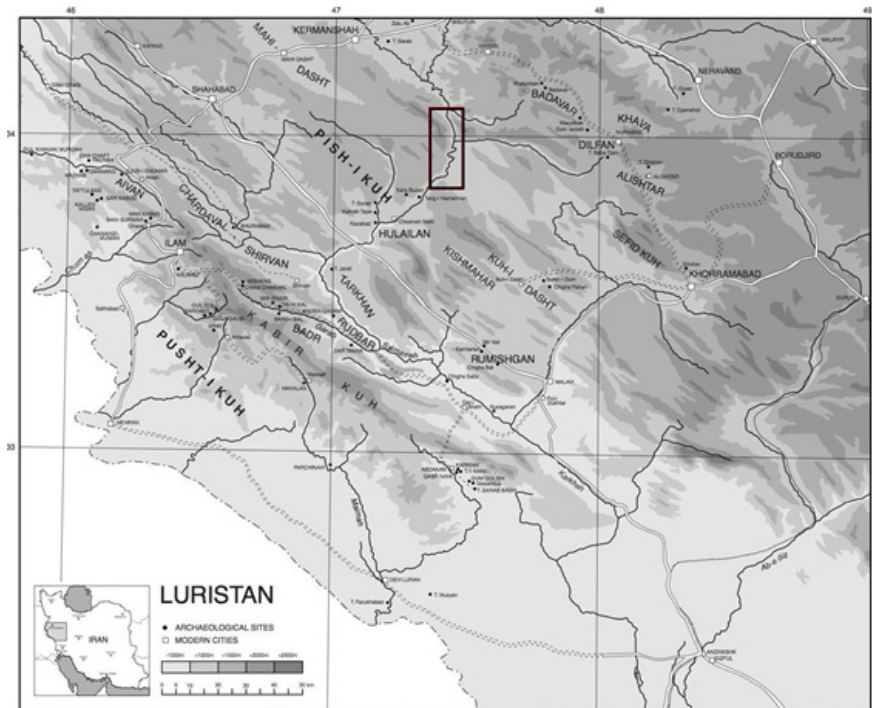
موقعیت طبیعی و جغرافیایی دره کران‌بزان

حوضه آب‌گیر سد کران‌بزان که محدوده دره‌ای به‌همین نام را شامل می‌شود، شامل بخش‌هایی از شهرستان‌های کوه‌دشت در غرب استان لرستان و بخش هلیلان در شمال‌شرقی شهرستان سیروان استان ایلام در زاگرس مرکزی است (نقشه ۱). منطقه مورد بررسی ۷۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و شامل دره‌ها، تپه ماهورها و ارتفاعات حاشیه رودخانه سیمره است (تصاویر ۱ و ۲). دره کران‌بزان دره طویل و باریکی است که در مرکز کوهستان زاگرس واقع گردیده است. این منطقه کوهستانی در میان ارتفاعات کران‌بزان در شرق، کوه شیخ در جنوب، و کوه مهمه در شمال واقع شده و رودخانه پرآب سیمره از بخش شمال‌شرقی وارد این دره می‌شود. این منطقه که کاملاً کوهستانی و چین‌خورده است با یک‌سری تپه ماهورها و ناهمواری‌ها به رودخانه محدود می‌شود. در بخش مرکزی دره تراس‌های آبرفتی کوچکی در ساحل سیمره شکل گرفته است. دره از سوی شمال‌شرق نیز به دو کوه وره زرد و بان بن



تصویر ۲: تصویری از بخش میانی دره کران‌بزان در فصل تابستان (نگارندگان، ۱۳۸۹).

نقشه ۱: نقشه موقعیت منطقه مورد بررسی در زاگرس مرکزی (با سپاس از پرفسور ارنی هرینک).



محدود می‌شود. این محل که تنگ تیر نام دارد، محل ورود رودخانه سیمره به دره به‌شمار می‌رود. در بخش غربی دره، ارتفاعات کران بزَنان و کوه شیخ به هم نزدیک شده و تنگه باریکی به‌نام تنگ گرمه و حُماملان را تشکیل می‌دهند. دو سوی رودخانه را ناهمواری‌های متعدد و تپه ماهورهای کوچک و بزرگی تشکیل می‌دهد که اغلب از یک‌سو مشرف بر رودخانه سیمره هستند. وجود مسیل‌های متعدد و جویبارهای کوچک و بزرگ و چشمه‌های فصلی در میان این ارتفاعات و تپه ماهورها نشان‌دهنده وجود منابع غنی آب در منطقه است.

سطح منطقه به علت رخنمون سازند امیران اکثراً سنگ‌لاخی و دارای برون‌زدهای سنگ آهک به‌صورت تخته سنگ‌های بزرگ و لاشه سنگ‌های متوسط تا کوچک است. در سطح بیشتر این تپه ماهورها، دامنه‌ها و شیب ارتفاعات گره‌های کوچک و بزرگ سنگ چخماق در کنار لاشه سنگ‌های آهکی و قطعات سنگ‌های زاویه‌دار به میزان قابل توجهی در سطح این مکان‌ها وجود دارند و دسترسی به منابع سنگ را برای انسان در دوره پارینه‌سنگی فراهم می‌کرده است (تصویر ۳). علاوه بر پوشش جنگلی منطقه که دارای درختان بلوط، ون و گیاهان خودرو است، وجود گونه‌های وحشی حیوانات این منطقه را بسیار مستعد استقرار ساخته است. با تمامی این تفاسیر اراضی قابل کشاورزی در دره بسیار اندک و



تصویر ۳: پراکندگی مواد خام در سطح محوطه H. 102 (نگارندگان، ۱۳۸۹).

۱. منطقه مورد مطالعه در زون زاگرس چین‌خورده واقع شده است. از نظر چینه‌شناسی سازندهای با سن کرتاسه فوقانی تا کوارتزر در منطقه رخنمون دارند. از نظر لیتولوژی به ترتیب از قدیم به جدید سازندهای گورپی، امیران، تل‌زنگ، کشکان، آسماری شهبازان و نهشته‌های کواترنری رخنمون دارند. سازند امیران متشکل از شیل و سیلتستون‌های سبز زیتونی با بین لایه‌های ماسه‌سنگی نازک تا ضخیم لایه تشکیل شده است. بیشتر مساحت منطقه مورد مطالعه از سازند امیران و نهشته‌های کواترنری پوشیده شده است. ارتفاعات و نقاط مرتفع منطبق بر سازندهای سخت فرسایشی آهکی آسماری شهبازان و تل‌زنگ است. بین لایه‌های سخت در سازند امیران، از ماسه سنگ‌های آهکی تشکیل شده است. ماسه سنگ‌ها عموماً بر اثر رسوب و سیمانی شدن قطعات درشت‌دانه حاصل از فرسایش مکانیکی شکل می‌گیرند. بنابراین در بین قطعات این لایه‌های ماسه سنگی انواع سنگ‌های آهکی و غیر آهکی هم‌چون چرت در بین این لایه‌های ماسه سنگی یافت می‌شود.

محدود است و تنها محدود به تراس‌های آبرفتی رودخانه سیمره می‌شود. با توجه به قرار گرفتن سازند امیران که سازندی بسیار فرسایش پذیر است، اغلب نقاط دره را تپه ماهورهای فرسایش یافته مارنی و یا میان‌لایه‌های آهکی این سازند در بر گرفته است.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناختی منطقه

این محدوده تاکنون به‌خوبی مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته و پژوهش حاضر نخستین فعالیت جدی باستان‌شناختی در این حوضه به‌شمار می‌رود. پیش از بررسی حاضر محدوده دره و بخش‌های فراتر آن توسط چهار هیأت مختلف مطالعه شده است. ابتدای دره کران‌بزان، یعنی درست شرق کوه کران‌بزان حد انتهایی بررسی هیأت دانمارکی طی سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۴ بوده، اما هیچ‌گاه دامنه بررسی آن‌ها به خود دره کشیده نشد و در همان دره هلیلان و نواحی مجاور متمرکز گردید. طی این بررسی‌ها محوطه «قلعه تپولی» که در بررسی جاری نیز به‌نام «کلک تپاله» و با شماره (۰۱۷) ثبت گردید، شناسایی شده است. هنریک تران محل کلک تپاله را روی نقشه منتشر شده بررسی نشان داده، اما اطلاعات بیشتری منتشر نکرده است. علاوه‌بر این گروه دانمارکی به سرپرستی تران به کاوش در تنگه حماملان و محوطه‌ای به‌نام استقرار کران‌بزان پرداخت. تران معتقد است که تنگه حماملان به احتمال محل معبدی همچون سرخ‌دم در انتهای دره هلیلان است که متأسفانه به شدت توسط جویندگان اشیاء عتیقه تخریب شده است (Thrane, 1965).

با توجه به این‌که این حوضه طبیعی (خود دره) در محدوده دو استان لرستان و ایلام قرار می‌گیرد، چندی پیش از سوی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری این استان‌ها مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته بود. با این وجود با توجه به زمین‌ریخت‌شناسی منطقه، چشم‌انداز طبیعی آن و دشواری‌های بالقوه بررسی در آن و از همه مهم‌تر استراتژی روند بررسی‌ها آن‌گونه که باید و شاید نتایج درخوری کسب نشده بود. در سال ۱۳۸۶ حسن دهقانی‌فرد از سوی سازمان میراث‌فرهنگی استان لرستان به بررسی مناطقی از غرب شهرستان کوه‌دشت پرداخت که بخش‌های غربی دره تماماً در محدوده بررسی وی قرار می‌گرفت. در نتیجه این بررسی وی موفق به شناسایی ۳ محوطه در بخش‌های میانی دره گردید (دهقانی‌فرد ۱۳۸۶). اندکی بعد بابک مردای با هدف شناسایی بقایای دوره پارینه‌سنگی غرب و شمال‌غربی شهرستان کوه‌دشت را بررسی کرد و موفق شد تا در محدوده مشترک با بررسی حاضر یک پناهگاه صخره‌ای را با ۸ مصنوع سنگی در حوالی روستای آبچی شناسایی کند که به‌دلیل شاخص نبودن مصنوعات سنگی قابل تاریخ‌گذاری نبود (مردای ۱۳۸۶).

بخش‌های مربوط به استان ایلام دره کران‌بزان نیز در سال ۱۳۸۸ توسط حبیب‌الله محمودیان بررسی شد (محمودیان ۱۳۸۹). وی در محدوده مشترک با بررسی حاضر، دو محوطه را یافت که یکی گورستانی از دوره اسلامی (گورستان زردلان / تورم) و دیگری استقرار از دوره مفرغ و اشکانی (قلاجوق / حلقه‌ناو) است (محمودیان ۱۳۸۹). این در حالی است که بررسی فشرده ما در دره به شناسایی ۱۲۲ محوطه انجامید که فقط پنج مورد آن قبلاً شناسایی شده بود.



تصویر ۴: نمایی از محوطه باز پارینه‌سنگی H. 015 (نگارندگان، ۱۳۸۹).



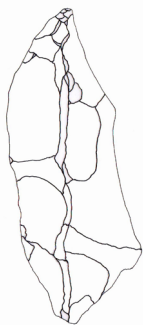
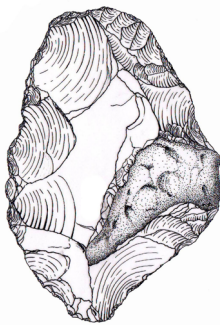
تصویر ۵: نمایی از محوطه باز پارینه‌سنگی H. 099 (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۶: نمایی از محوطه پارینه‌سنگی قدیم گشور (H. 075) بر روی یکی از تراس‌های قدیمی رودخانه سیمره (نگارندگان، ۱۳۸۹).

بررسی باستان‌شناسی

بررسی باستان‌شناسی حوزه آب‌گیر سد کران‌بزان با هدف شناسایی مکان‌های باستانی واقع در محدوده مورد آب‌گیری زیر نظر پژوهشکده باستان‌شناسی به سرپرستی یکی از نگارندگان (سجاد علی‌بیگی) در بهار و تابستان سال ۱۳۸۹ به انجام رسید. هدف از این بررسی مطالعه مکان‌های باستانی از دوره پارینه‌سنگی تا به امروز با هدف درک روند فعالیت‌های بشر در منطقه بود. با توجه به قابلیت‌های فراوان منطقه و موقعیت مهم جغرافیایی آن در زاگرس مرکزی، و همچنین تهدید موجود در خصوص ساخت سد و غرق شدن منطقه در زیر آب دریاچه سد، منطقه با هدف بررسی یک‌بار برای همیشه، کاملاً با پای پیاده و به صورت فشرده مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر موارد بالا، با توجه به وضعیت توپوگرافی منطقه، امکان وجود شمار فراوانی محوطه و تک افتاده که در چشم انداز منطقه قابل مشاهده نیستند، وجود داشت. زیرا پدر مورتسن با انتخاب همین استراتژی موفق به کشف شمار زیادی محوطه و تک یافته از دوره پارینه‌سنگی قدیم تا دوره اسلامی شده بود (ن.ک: Mortensen, 1979). نکته دیگر این که دره کران‌بزان در فاصله میان سه منطقه مهم هلیلان در غرب، کوه‌دشت در شرق و کرمانشاه-ماه‌دشت-هرسین در شمال قرار گرفته که یافته‌های فراوانی را از دوره پارینه‌سنگی تاکنون ارائه داده‌اند.



این بررسی علاوه بر این که با هدف شناسایی محوطه‌های باستانی در حوزه آب‌گیر سد به انجام رسید، اما سعی شد که این پروژه به صورت یک پژوهش بنیادی هدف‌مند طراحی و اجرا شود. بر این اساس منطقه به طور کامل شبکه‌بندی گردید و به چند منطقه ریز محیط تقسیم‌بندی شد. این تقسیم‌بندی بر اساس زمین‌ریخت منطقه، ارتفاعات، ناهمواری‌ها، تپه ماهورها، اراضی هموار، تراس‌های رودخانه سیمره و ارتفاع از سطح دریا ترتیب داده شد. بر این اساس توانستیم با یک برنامه‌ریزی دقیق تمامی محیط‌های مختلف حوزه را به طور دقیق مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

اهداف

هدف اصلی از این پژوهش بررسی و شناسایی مکان‌های باستانی منطقه و ثبت و ضبط دقیق آن‌ها برای انجام مطالعات روش‌مند در آینده است. در این پژوهش قصد بر آن بود تا با مطالعه زمانی و مکانی مکان‌های شناسایی شده تصویری نسبتاً روشن از گذشته منطقه ارائه دهیم.

اهداف این پژوهش را می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه بیان کرد: ۱. شناسایی تمامی محوطه‌های باستانی منطقه. ۲. تهیه نقشه باستان‌شناختی منطقه. ۳. مطالعه وضعیت استقرارها و تبیین ویژگی‌های استقرارهای هر دوره. ۴. ارائه چارچوبی گاهنگارانه برای منطقه بر اساس مطالعه یافته‌های بررسی و ترکیب این داده‌ها با یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی مناطق پیرامون. ۵. مطالعه الگوی‌های زیستگاهی محوطه‌های باستانی. ۶. تحلیل رابطه میان بهره‌وری از منابع زیست محیطی و شکل‌گیری استقرارهای باستانی بر اساس مدل‌های باستان‌شناختی.



0 5cm

شکل ۱: تبردستی آشولی کوره دشت سفلی H. 102 (نگارندگان، ۱۳۸۹).

شیوه بررسی

شیوه بررسی در این منطقه با توجه به موقعیت ویژه و استعداد بالقوه منطقه برای زندگی، پیمایش تمامی محدوده بررسی بود. این محدوده که تنها ۷۱ کیلومترمربع را در بر می‌گرفت با یک گروه ۸ نفری با روزی ۱۰-۱۱ ساعت پیاده‌روی مورد بررسی دقیق و قدم‌به‌قدم قرار گرفت. تا احتمال کشف هر گونه یافته ویژه سطحی که از چشم ما دور مانده باشد را به حداقل برسانیم. اعضای هیأت طی بررسی با قرارگیری در ردیفی به فاصله ۱۰ متر از یکدیگر به بررسی منطقه پرداختند و تمامی آثار باستانی مشهود را مورد شناسایی و بررسی قرار می‌دادند. برای داشتن دید روشن‌تر از وضعیت منطقه از نقشه‌های ۱:۲۵۰۰۰ استفاده شد و برای ثبت مختصات جغرافیایی محوطه‌ها نیز از دستگاه موقعیت سنج (GPS) استفاده شد. از کمک و راهنمایی‌های مردم محلی نیز برای اطلاع یافتن از وجود محل‌های باستانی بهره برده شد و به تمام محل‌هایی که روستاییان و شبانان از وجود معدود تکه‌های سفال یا پراکندگی سنگ چخماق، سخن می‌گفتند، مراجعه شد تا هیچ‌گونه شک و تردیدی در مورد وجود آثار سطحی که از چشم ما دور مانده بود، باقی‌نماند.

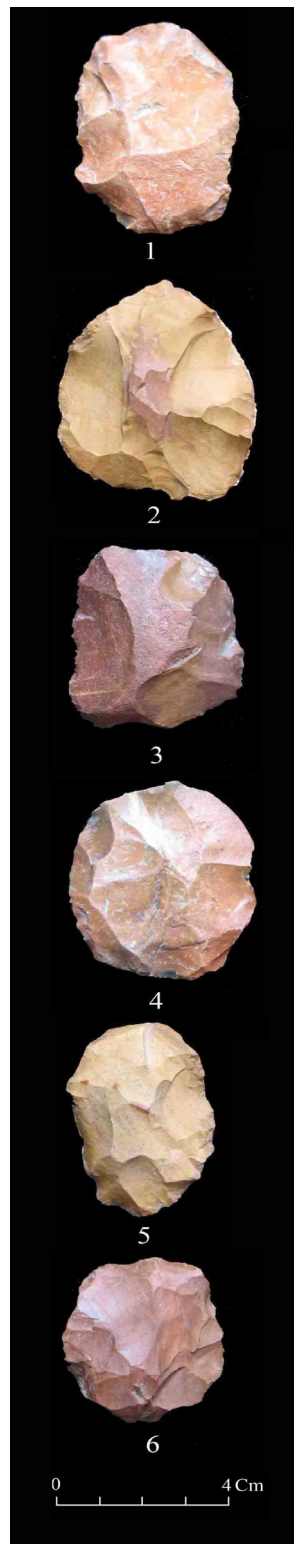
یافته‌ها

در نتیجه ۳۵ روز بررسی پیمایشی موفق به کشف تعداد قابل توجهی محوطه باستانی از کهن‌ترین دوره استقرار بشر تا به امروز شدیم. علاوه بر محوطه‌های باستانی چندین روستای آباد و تعدادی روستای متروکه مورد بررسی و بازدید قرار گرفت که از ارزش مطالعاتی فراوانی برای مطالعه برخی جنبه‌های مکان‌ها و جوامع باستان برخوردارند، به طوری که بتوان برخی از ابهامات و پرسش‌های بی‌پاسخ را پاسخ داد. محوطه‌های شناسایی شده شامل ۱۲۲ مکان است که در نقاط مختلف منطقه مورد بررسی و به ویژه ناهمواری‌ها و دامنه ارتفاعات پراکنده هستند. این محوطه‌ها اغلب متعلق به دوره پارینه‌سنگی اند و محوطه‌های اندکی از دیگر دوره‌ها تاکنون شناسایی شده است. از ۱۲۲ مکان کشف شده ۱۱۰ مکان مربوط به دوره پارینه‌سنگی، دو محوطه مربوط به دوره نوسنگی، یک محوطه مربوط به دوره مس‌وسنگ و دو محوطه مفرغ، هفت محوطه مربوط به دوره تاریخی و هفت محوطه و اثر مربوط به دوره اسلامی است (نقشه ۲).

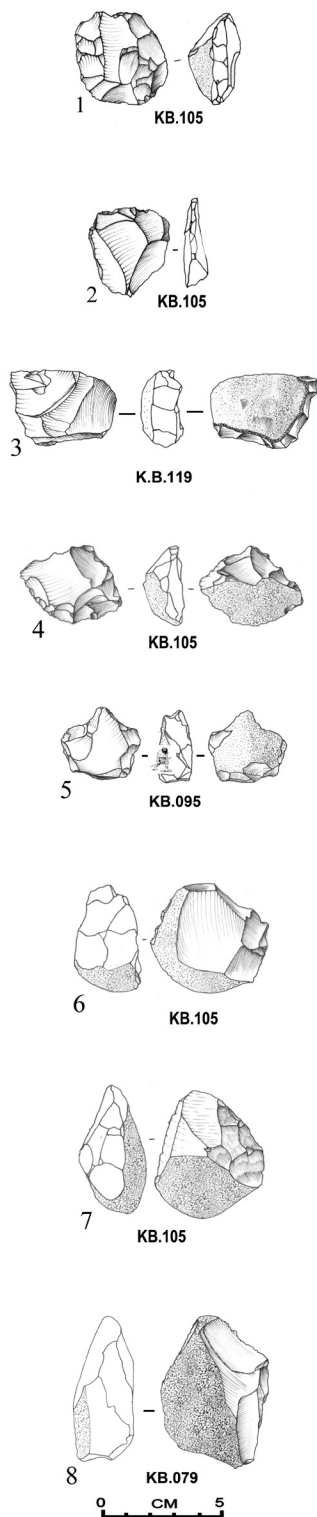
این مکان‌ها شامل محوطه‌های باز دوره پارینه‌سنگی (تصاویر ۴ تا ۶)، دو مکان از دوره نوسنگی، روستاهایی از دوره‌های مس‌سنگی و مفرغ، اشکانی و اسلامی؟، یک قلعه دوره تاریخی، آسیاب، کانال آب‌رسانی و دو گورستان از دوره اسلامی است. در بررسی این محوطه‌ها شمار فراوانی ابزارهای سنگی، قطعات سفال، بقایای معماری و سنگ قبور به دست آمد.

دوره پارینه‌سنگی

با توجه به غنای فراوان زیست محیطی، وجود منابع آب کافی و همچنین برون‌زدهای فراوان سنگ چخماق به‌عنوان ماده خام اولیه مورد نیاز در منطقه مورد مطالعه (زاگرس مرکزی) و از سوی دیگر بررسی‌های مداوم و گسترده در چند دهه گذشته در این منطقه، کمبود محوطه‌های باز دوران پارینه‌سنگی پرسش برانگیز



تصویر ۷: نمونه‌هایی از سنگ مادرهای لوالوا دوره پارینه‌سنگی میانی (نگارندگان، ۱۳۸۹).



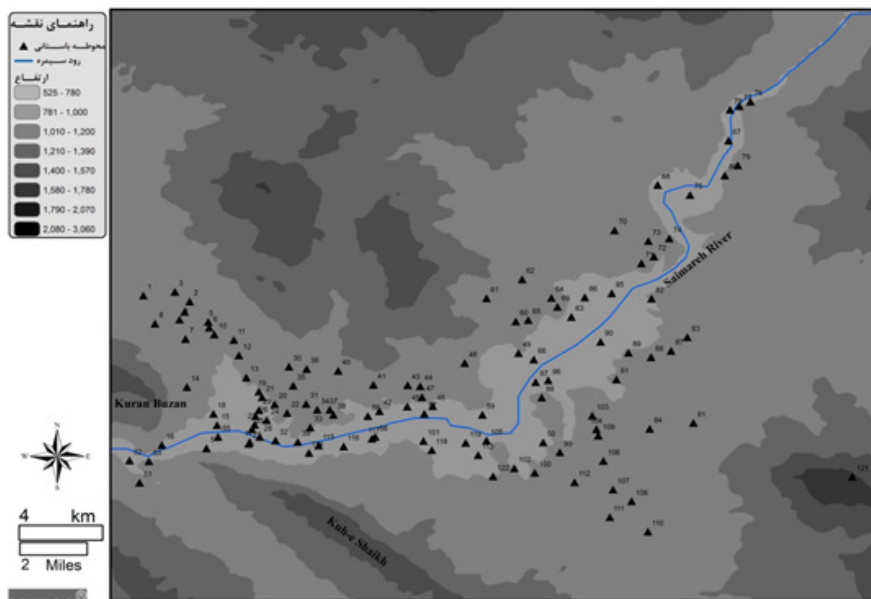
شکل ۲: نمونه‌هایی از مصنوعات سنگی محوطه‌های شناسایی شده در دره‌ی کران‌بزان (نگارندگان، ۱۳۸۹).

است. به‌نظر می‌رسد این ابهام بیش از آن‌که به سبب فقدان بقایای محوطه‌های این دوران باشد، در ضعف انتخاب استراتژی‌های مناسب بررسی‌های باستان‌شناسی در منطقه نهفته است. چرا که در اکثر بررسی‌های منطقه زاگرس به‌ندرت از بررسی‌های پیمایشی منظم بهره برده شده است. در مقابل در محدود بررسی‌هایی چون بررسی‌های مورتنسن در هلیلان (Mortensen, 1974: 1993)، بررسی‌های دارابی در دشت مهران (دارابی و دیگران ۱۳۹۰؛ Darabi et al. 2012) و بررسی در دره کران‌بزان (Alibaigi et al. 2011) که از شیوه بررسی پیمایشی فشرده استفاده شده تعداد قابل توجهی از محوطه‌های باز شناسایی گردیده است.

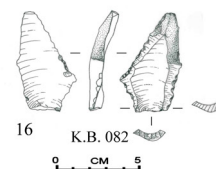
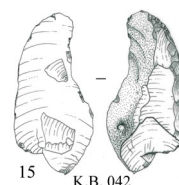
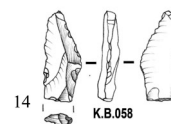
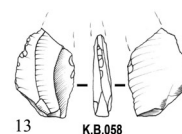
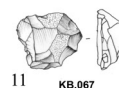
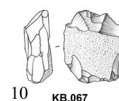
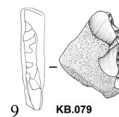
به‌طور کلی بقایای فعالیت‌های انسان در دوره پارینه‌سنگی در تمامی منطقه مورد بررسی به‌دست آمد. محوطه‌های شناسایی شده در ارتفاع ۹۵۰-۱۱۵۰ متری و اغلب بر روی پشته‌های طبیعی، تپه ماهورها و پادگانه‌های رودخانه واقع شده‌اند و از بررسی چند غار و پناهگاه سنگی در شمال دره یافته‌ای به‌دست نیامد. نواحی تپه ماهوری و تراس‌های مشرف به رودخانه سیمره به طرز عجیبی غنی بود. به احتمال این وضعیت در رابطه با وجود منابع سنگ خام و حیوانات شکاری در گذشته بوده است؛ زیرا در هر کجای منطقه که برون‌زد سنگ‌های چخماق وجود داشت، مصنوعات سنگی نیز به‌دست می‌آمد. شمار مکان‌هایی با پراکندگی مصنوعات سنگی دوره پارینه‌سنگی ۱۱۰ مورد ثبت شده است (نقشه ۲). تقریباً پراکندگی مصنوعات سنگی تنها محدود به محل‌هایی می‌شد که برون‌زد سنگ چخماق در آن وجود داشت. با این حال علاوه بر این مکان‌ها در ۲۰ محل هم مصنوعات سنگی تک افتاده‌ای که ممکن است دلالت بر شکار داشته باشند نیز، به‌دست آمد. تمامی تک افتاده‌ها هم‌چون هلیلان در نواحی تپه ماهوری و مستعد شکار به‌دست آمد (Mortensen, 1974).

اغلب محوطه‌های شناسایی شده مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم و میانی است و تقریباً هیچ مکانی با پراکندگی مصنوعات سنگی دوره پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی شناسایی نشد (این اطلاعات بر اساس مطالعه مقدماتی دست افزارهای سنگی گردآوری شده از سطح محوطه‌ها ارائه شده و ممکن است مطالعات تکمیلی آینده وضعیت اندک متفاوتی را نشان دهد). از این میان ۳ محوطه دارای مصنوعات پارینه‌سنگی قدیم و ۱۰۷ محوطه دیگر کم و بیش دارای مجموعه‌های غنی از مصنوعات سنگی دوره پارینه‌سنگی میانی است. یک مصنوع در محوطه شماره ۱۰۲ در ۵۰۰ متری جنوب روستای کوره‌دشت سفلی (H. 102) نیز به احتمال یک تبردستی آشولی است (شکل ۱). اغلب محوطه‌های دوره پارینه‌سنگی میانی دارای سنگ‌مادرها، تیزه‌ها و تراشه‌های لوالوا است (تصویر ۷ و شکل‌های ۲ تا ۵). در شماری از محوطه‌ها هم ابزارهای شاخص وجود نداشت و یافته‌های سنگی تنها شامل شمار اندکی سنگ‌مادر و تعداد بیشتری تراشه‌های ساده بود.

محوطه‌های شناسایی شده به‌نظر می‌رسد که اغلب ایستگاه‌های شکار، محل‌های سلاخی و یا محل‌هایی برای تولید مصنوعات سنگی بوده‌اند. وجود ابزارهای شکار و فقدان تراشه‌ها و سنگ‌مادرها در برخی از محوطه‌ها و شمار فراوان سنگ‌مادرها و تراشه‌ها در دیگر مکان‌ها این پیشنهاد را تقویت می‌کند. از اغلب محوطه‌های شناسایی شده بیش از ۱۰ قطعه مصنوع سنگی به‌دست آمد. در حقیقت



نقشه ۲: نقشه پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در دره‌ی کران‌بزان (نگارندگان، ۱۳۸۹).



محل‌هایی با کم‌تر از پراکندگی ۱۰ قطعه یافته سطحی با نام تک یافته‌ها ثبت شد. کوچک‌ترین مکان ۱۵×۱۵ متر و بزرگ‌ترین آن‌ها نزدیک به ۵۰ هکتار وسعت دارد. گشور (H. 075) بزرگ‌ترین محوطه شناسایی شده پارینه‌سنگی است که بر روی یکی از تراس‌های قدیمی رودخانه سیمره و درست مشرف بر آن در شمال دره در نزدیکی روستای پیازآباد (امام‌قلی) واقع شده است. از بررسی این محوطه مجموعه‌ای شامل ۴۲۰ قطعه که متعلق به دوره پارینه‌سنگی قدیم است، گردآوری شد. بررسی سیستماتیک گشور نشان داد که تنها در سطح محوطه چیزی در حدود ۵۰/۰۰۰ قطعه مصنوعات سنگی پراکنده است.

اغلب مصنوعات منطقه از سنگ چخماق قرمز، قهوه‌ای روشن و در مواردی خاکستری ساخته شده‌اند. اغلب این سنگ‌ها دارای کیفیت متوسط تا مرغوب و مناسب ابزارسازی هستند. با توجه به نوع پوسته سنگ‌ها و برون‌زدهای سنگ چخماق تقریباً تمامی مصنوعات سنگی منطقه از قله‌سنگ‌هایی با ابعاد متوسط (قطر ۱۲ سانتی‌متر) تا کوچک (قطر ۵ سانتی‌متر) ساخته شده‌اند. ابزارها و سنگ‌مادرهای کوچک این واقعیت را نشان می‌دهند که کوچک بودن اندازه ابزارهای سنگی در دره کران‌بزان به سبب استفاده و بهره‌برداری‌های مکرر از آن‌ها روی نداده، بلکه دلیل این امر کمبود و تا حدودی فقدان گره‌های سنگ چخماق بزرگ است.

به‌طور کلی در حال حاضر نمی‌توان در مورد این واقعیت که آیا هر یک از مکان‌های شناسایی شده خود به تنهایی یک محوطه است یا این که باید دره کران‌بزان را یک چشم‌انداز وسیع پارینه‌سنگی به‌شمار آورد، بحث کرد. اما نکته‌ای که باعث می‌شد تا ما هر پراکندگی مستقلی را به‌عنوان یک مکان مجزا ثبت کنیم، درک کارکرد و ماهیت هر یک از محوطه‌ها بود. این نحوه ثبت و ضبط باعث می‌شد تا ما بتوانیم محوطه‌هایی با کارکردهای متفاوت را در بخش‌های مختلف دره شناسایی کنیم.

شکل ۳: نمونه‌هایی از مصنوعات سنگی محوطه‌های شناسایی شده در دره‌ی کران‌بزان (نگارندگان، ۱۳۸۹).

۱. دیورا الزوفسکی، هارولد دیبل و همکارانشان با همین شیوه نمونه‌برداری نتایج جالبی در خصوص کارکرد محوطه‌ها در بررسی محوطه‌های پارینه‌سنگی ایندوس مصر به‌دست آورده است (Olszewski et al. 2005).

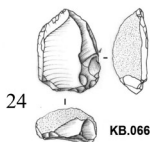
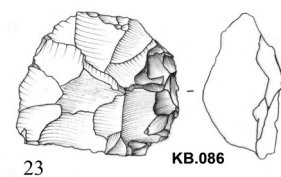
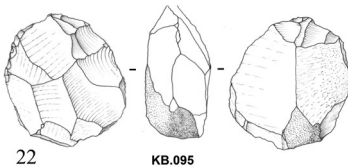
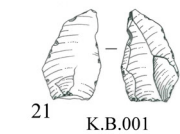
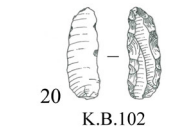
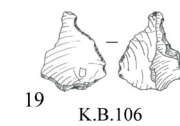
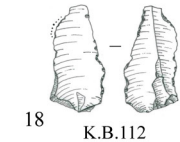
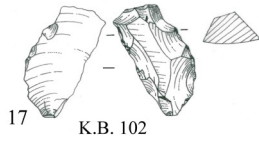
دوره نوسنگی، مس‌وسنگ و مفرغ

وضعیت دوره‌های پس از پارینه‌سنگی دره، بسیار متفاوت است و در حال حاضر تفسیر این وضعیت به روشنی امکان‌پذیر نیست. هر چند منطقه با توجه به وجود رودخانه سیمره قابلیت‌های نسبتاً مناسبی برای استقرار جوامع کوچک روستایی دارد، اما برخلاف هلیلان، هرسین، ماهیدشت و حتی کوه‌دشت منطقه در دوره نوسنگی تا دوره متأخر اسلامی تقریباً خالی از استقرار است. به‌نظر می‌رسد با توجه به وضعیت زیست‌محیطی دره و قابلیت اندک آن برای کشاورزی این منطقه پس از دوره پارینه‌سنگی چندان مورد توجه نبوده است. این در حالی است که مناطق همجوار که قابلیت‌های بیشتری برای استقرار مردم کشاورز دارند معمولاً در تمامی دوره‌ها دارای استقرار هستند. بقایای قابل انتساب به دوره نوسنگی تنها از دو محل به‌دست آمد. این دو احتمالاً دو توقف‌گاه موقت هستند که به‌صورت گذرا مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به‌نظر می‌رسد بتوان کمی یافته‌های دوره نوسنگی را در این محوطه‌ها به‌گذرا بودن استقرار در آن‌ها مرتبط دانست. ابعاد این دو مکان با توجه به فقدان هرگونه نشانه‌ای، نامشخص است. اما پراکندگی یافته‌های سطحی نشان می‌دهد که باید آن‌ها را محوطه‌های کوچکی به حساب آورد. هر دو این محوطه‌ها در انتهای دره و در کرانه رودخانه سیمره و به فاصله اندکی از آن قرار گرفته‌اند. محوطه ۰۶۷ در میان زمین‌های زراعی غرب سیمره و به فاصله ۱۰۰ متری از کرانه آن واقع شده است (تصویر ۸). محوطه کاملاً تسطیح شده و در سطح آن فعالیت‌های زراعی صورت می‌گیرد. از سطح این مکان شماری مصنوعات سنگی دوره پارینه‌سنگی، دو سنگ‌مادر فشنگی و چند قطعه سفال دوره تاریخی به‌دست آمد. محوطه بر روی یکی از تراس‌های وسیع سیمره قرار گرفته و اراضی اطراف آن را زمین‌های مستعد و قابل کشاورزی در بر گرفته است.

محوطه ۰۷۸ دیگر محوطه نوسنگی شناسایی شده است که در کرانه شرقی رودخانه و درست مشرف به آن قرار گرفته است. هم‌چون ۰۶۷ این مکان نیز فاقد هرگونه بقایای استقرار احتمالی است. سطح محوطه سنگ‌لاخی است و شماری مصنوعات سنگی به‌صورت پراکنده در سطح آن قابل مشاهده است. در میان این یافته‌ها یک سنگ‌مادر فشنگی و یک تیغه وجود دارد که بیان‌گر استقرار دوره نوسنگی در این محل‌اند. از این دو محل هیچ قطعه سفال مربوط به دوره نوسنگی به‌دست نیامد و به احتمال باید این دو مکان را از دوره نوسنگی پیش از سفال به حساب آورد.

موقعیت مکان‌های دوره نوسنگی کران‌بزان تقریباً مشابه استقرارهای هم‌زمان در هلیلان است، چنین الگویی یعنی واقع شدن در حاشیه رودخانه سیمره در محوطه‌های دوره نوسنگی هلیلان نیز توسط مورتسن گزارش شده است (Mortensen, 1974).

آن‌چه در مورد این دو محل قابل تأمل است، قرارگیری آن‌ها در حد فاصل مناطق مرتفع‌تر زاگرس، چون ماهیدشت، سرفریزآباد و هرسین و نواحی پست‌تر چون هلیلان است. با توجه به این‌که هیأت دانمارکی گوران و سراب را مسیر ابتدا و انتهای یک کوچ می‌داند (Meldgard et al. 1963) و شماری از استقرارهای دوره نوسنگی بی‌سفال این مناطق به استقرارهای کوچ‌رو منتسب شده این احتمال که دره کران‌بزان با توجه به نزدیکی بسیار زیاد و محوطه‌های دوره نوسنگی از مسیرهای احتمالی این کوچ‌ها بوده، دور از ذهن نخواهد بود.



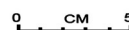
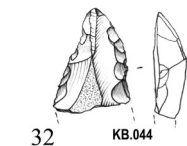
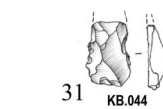
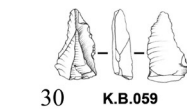
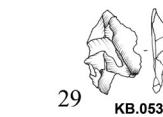
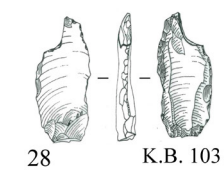
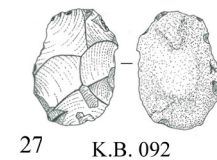
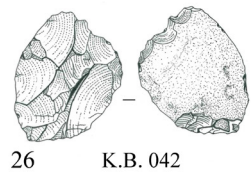
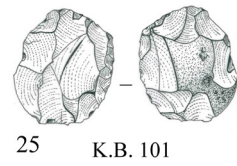
0 5 CM

شکل ۴: نمونه‌هایی از مصنوعات سنگی محوطه‌های شناسایی شده در دره‌ی کران‌بزان (نگارندگان، ۱۳۸۹).

از دوره‌های جدیدتر پیش از تاریخ نیز سه محوطه شناسایی شد. محوطه ۵۲ در دهانه تنگ گرمه در شرق کوه کران‌بزان و ابتدای دره بقایای استقراری (?) از دوره مس‌وسنگ است. این محوطه که دوآب نام دارد در ساحل شرقی سیمره و درست مشرف به آن و تقریباً در محلی صعب‌العبور قرار گرفته است (تصویر ۹). این محوطه کوچک در شیب دامنه کوه شیخ قرار گرفته و ابعادی در حدود ۱۵ × ۳۰ متر دارد. از این محل سفال‌هایی با خمیره و پوشش گلی غلیظ نخودی، شاموت کاه، پخت ناکافی، دست‌ساز با نقوش ساده هندسی به رنگ قرمز به‌دست آمد که قابل مقایسه با سفال‌های دوره مس‌وسنگ جدید (اوروک / جمدت نصر) است (Goff 1971, Fig. 5: 57; Matthews 2002: 65, fig 9, 10; Wright et al. 1975, Fig. 6 m; Mortensen 1976, Fig 7. D (شکل ۶). علاوه‌بر یافته‌های سفالی بقایای یک گور (تصویر ۱۰) توسط حفاران قاچاق آشکار شده که می‌توان آن‌را بر اساس ساختمان گور و نمونه‌های مشابه در خود منطقه به عصر آهن تاریخ‌گذاری کرد. نمونه این گورها در منطقه تقریباً شناخته شده است. به‌عنوان مثال از چناب‌دینه رومشگان (Stein 1940, p. 208, Fig. 69)، تپه گوران هیلان (Thrane 2001, P. 80 Fig. 80)، تپه یارعالی طرحان (Thrane, 1965)، گورستان وَر کبود چوار در ایلام (Vanden Berghe, 1968: 108)، گورستان کَن گنبد (کان گنبد) در مار وِره ایلام (کابلی ۱۳۶۷)، و تا حدودی در گورستان‌های عصر مفرغ برد بل و پاگل ایلام (den Berghe, 1973) چنین گورهایی شناسایی شده است.

دیگر محوطه پیش از تاریخی مکان شماره ۰۸۰ است (تصویر ۱۱). هر چند گراب محوطه چندان بزرگی نیست، اما بزرگ‌ترین استقرار شناسایی شده در تمامی دره با وسعتی نزدیک به دو هکتار است. محوطه بر ساحل شرقی سیمره و درست چسبیده به آن در چشم اندازی کوهستانی واقع شده است. سطح محوطه پر است از لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ که احتمالاً نشان‌دهنده وجود بقایای معماری است. از سطح محوطه مجموعه‌ای شامل سفال‌های قرمز با نقوش هندسی سیاه به‌دست آمد. این سفال‌ها دارای خمیره قرمز، پوشش گلی غلیظ به رنگ خمیره و شاموت کاه و ماسه هستند. این قطعات دست‌سازند و در حرارت مناسب پخته شده‌اند (شکل ۷). مشابهت‌های نزدیکی میان این قطعات با سفال‌های دوره مفرغ قدیم (جمدت‌نصر) وجود دارد (Dayson, 1966: 333, Pl. LXXVI, 99; Emberling et al. 2002: Fig. 26: g; Thrane 2001: 67, Fig. 59, c; Schmidt et al. 1989, Pl. 96 e & Pl. 104; Haerinck & Overlaet 2006: Pl. XV, Pl. 30, 1; Haerinck & Overlaet, 2008: Pl. 21, 112).

قلاجوق (حلقه‌ناو) دیگر محوطه دوره مفرغ است که تقریباً در مرکز دره و بر روی یک برجستگی طبیعی مشرف بر کرانه غربی رودخانه سیمره در ۲۰۰ متری شمال شرقی روستای حلقه‌ناو واقع شده است. در دامنه برجستگی طبیعی که قلاجوق برفراز آن واقع شده، آثار روستای متروک قلاجوق قابل مشاهده است. از بررسی قلاجوق سفال‌های عصر مفرغ میانی - جدید مشابه سفال‌های گودین III به‌دست آمده است (محمودیان ۱۳۸۹). به‌طور کلی بقایای قابل انتساب دیگری به دوره پیش از تاریخ از بررسی دره به‌دست نیامد. این در حالی است که انتظار وجود مکان‌های بیشتری در دره می‌رفت.



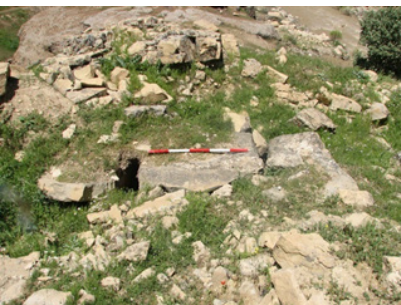
شکل ۵: نمونه‌هایی از مصنوعات سنگی محوطه‌های شناسایی شده در دره کران‌بزان (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۸: نمایی از محوطه H. 067 (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۹: نمایی از موقعیت محوطه‌ی ۰۵۲ (دو آب تنگ گرمه)، (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۰: گور کلان سنگی محوطه‌ی دو آب تنگ گرمه (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۱: نمایی از محوطه‌ی گراب (۰۸۰)، (نگارندگان، ۱۳۸۹).

دوره تاریخی

از دوره تاریخی ۷ مکان شناسایی گردید. این هفت مکان در بخش‌های مختلف دره و به‌ویژه بخش مرکزی و جنوبی آن واقع شده‌اند. مکان‌های شناسایی شده اغلب شامل پراکندگی‌های اندکی از قطعات سفال است. مهم‌ترین محوطه این دوره بقایای دژی است که در حاشیه غربی رودخانه سیمره در شرق کوه کران‌بزان و در تنگه ابتدای دره واقع گردیده است. این محوطه را در سال ۱۹۶۳ هیأت دانمارکی یافته و به نام «قلعه تپولی» ثبت نموده است (Thrane, 1965). کلک تپاله (۰۱۷) بقایای ساخت و سازی است که با استفاده از لاشه‌سنگ و معمولاً به‌صورت خشکه‌چین ساخته شده است (تصویر ۱۲). بنا دارای امتداد شمال‌شرقی - جنوب‌غربی است و در امتداد رودخانه ساخته شده است. ساخت و سازهای باقی‌مانده شامل یک دیوار با ۲۳ پشته‌ی توپر است. دیوار نزدیک ۶۰۰ متر طول دارد و تماماً با استفاده از لاشه‌سنگ‌های تخت ایجاد گردیده است. این دیوار اصلی‌ترین سازه برجای مانده در محوطه است و موازی با رودخانه سیمره ساخته شده است. در چندین محل دسترسی به پشت دژ از کوه کران‌بزان که در غرب آن قرار دارد، با ایجاد دیوارهای سنگی محدود شده است. در دو سه محل نیز بقایای چیدمان سنگی قابل مشاهده است که به‌نظر می‌رسد می‌تواند دسترسی محلی به قلعه به حساب آید. در بخش شمالی بنا، بقایای راه سنگ‌چینی دیده می‌شود. این راه که با استفاده از لاشه‌سنگ و در مواردی ملاط گل زیرسازی شده، حدود ۱/۲ متر پهنا دارد و به‌صورت بریده بریده در دو سه محل قابل مشاهده است. از بقایای ساخت و سازهای درون دژ به علت رویش بسیار متراکم گیاهان و علف‌های بلند در زمان بررسی، هیچ نمی‌دانیم. در یکی دو محل در بخش شمالی محوطه بقایای آثار معماری قابل مشاهده است. در شیب دامنه برخی از برجستگی دامنه کوه و حاشیه رودخانه، آثار معماری لاشه‌سنگی که بخش‌هایی از آن به واسطه حفریات غیرمجاز آشکار شده وجود دارد. بر راس بلندترین برجستگی طبیعی در بخش شمالی محوطه، بقایای ساخت و سازی که تنها دیوارهای چهار طرف آن باقی‌مانده است، وجود دارد. این فضا که دارای دیوارهایی به پهنای ۱/۲ متر و ارتفاع میانگین ۱/۳ متر است، ۱۲×۱۲ متر ابعاد دارد و کف آن به شدت زیر و رو شده است.

تنها از بررسی شمال محوطه و آن هم از اطراف و لابه‌لای خاک چاله‌های حفاری شماری قطعه سفال به‌دست آمد. در حال حاضر این قطعات تنها مدارک تاریخ‌گذاری محوطه به‌شمار می‌روند. سفال‌های گردآوری شده اغلب مربوط به بدنه ظروف‌اند و نمونه‌های چندان شاخصی در میان آن‌ها دیده نمی‌شود. قطعات به‌دست آمده دارای خمیره قرمز و نخودی با پوششی به رنگ خمیره‌اند، این قطعات اغلب دارای آمیزه معدنی درشت هستند و همگی با دست ساخته شده و در حرارت نسبتاً مناسب پخته شده‌اند. اغلب قطعات ساده‌اند و تنها در سطح برخی از قطعات متعلق به بدنه خمره‌ها، باندهای برجسته پهن و ساده ایجاد گردیده است. تاریخ‌گذاری این قطعات و به تبع آن سازه موسوم به دژ کلک تپاله چندان آسان نیست. تاکنون نمونه‌های مشابه با سفال‌های این محوطه از محوطه پارتی بیستون و قلعه یزدگرد گزارش شده است. بر اساس این یافته‌هایی ممکن است بتوان تاریخ اواخر دوره اشکانی را برای این بنا و مجموعه ساخت و سازهای آن پیشنهاد

کرد. با این حال تا زمان انجام کاوش‌های باستان‌شناختی نمی‌توان با قطعیت در این باره سخن گفت.

آن‌گونه که آمد به‌جز این مکان ۵ محل دیگر دارای سفال‌های دوره تاریخی (اشکانی) هستند (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۳؛ ۶؛ خسروزاده و عالی ۱۳۸۳، طرح ۸: ۵؛ رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۸، ۸۵؛ کلایس، ۱۳۸۵ الف: شکل ۹؛ ۱۹۷۰، Abb. 25: 4; ۱۹۷۳، Abb. 5: 2 Kleiss (شکل ۸ و ۹)).

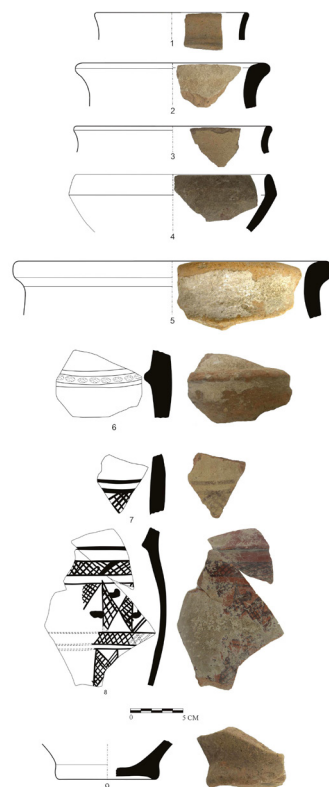
این مکان‌ها اغلب به واسطه حضور قطعه سفال‌های کلینکی تاریخ‌گذاری شده و نمی‌توان در مورد کارکرد آن‌ها به روشنی بحث کرد. اغلب یافته‌های این دوره، سفال‌های سطحی‌اند که در سطح تپه ماهورها یا در میان زمین‌های کشاورزی واقع گردیده‌اند. تنها دو سه محل استقرار در میان این محوطه‌ها وجود دارد. محوطه ۰۲۷ در ساحل غربی سیمره که دارای ساخت و سازهای معماری با مصالح لاشه سنگ‌های بزرگ و کوچک است، نمونه‌ای از این سکونت‌گاه‌ها به‌شمار می‌رود. متأسفانه به واسطه فعالیت‌های کشاورزی پلان ساخت و سازها قابل درک نیست. دیگر محل‌ها را باید استقرارهای موقت و گذرا به‌شمار آورد که احتمالاً بقایای استقرارهای کوتاه‌مدت را در خود دارند. محوطه‌های کینا و ۱ و ۲ در کرانه رودخانه کاکیزه در محدوده شهرستان کوه‌دشت تنها محل‌هایی هستند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان روستاهای دوره تاریخی یاد کرد. کاوش در این محوطه‌ها می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از استقرار در یک روستای دور افتاده در دره را به ما بدهد. وضعیت این دوره در دره بسیار متفاوت از سایر نواحی زاگرس است. زیرا در تمامی بررسی‌ها شمار محوطه‌های متناسب به دوره اشکانی بیش از سایر دوره‌ها گزارش شده است. به هر شکل در حال حاضر با توجه به مطالعات مقدماتی وضعیت کاملاً متفاوت دره در این دوران چندان قابل تفسیر نیست. به‌علاوه هیچ مکانی با تاریخ قطعی دوره ساسانی نیز شناسایی نگردید. دیگر یافته‌های بررسی به دوره اسلامی تعلق دارند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

دوره اسلامی

وضعیت دره در دوره اسلامی چندان تفاوتی با سایر دوره‌ها به‌جز دوره پارینه‌سنگی ندارد. از این دوره نیز استقرار مهمی شناسایی نگردید. تنها بقایای قابل انتساب به این دوره دو گورستان، یک محوطه کوچک استقرار (کینا و ۱)، یک آسیاب، یک کانال آبرسانی و دو محل بدون بقایای مواد فرهنگی در سطح هستند که با قید احتمال به دوره اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند. کینا و ۱ بقایای محوطه‌ای استقرار از دوره تاریخی است که چند قطعه سفال ساده دوره اسلامی نیز در سطح آن پراکنده است (برای نمونه ن. ک: سلیمانی ۱۳۸۴: شکل ۷۷: ۱۶ و شکل ۸۳، ۳)، (شکل ۸ و ۹). دیگر محل‌ها نیز که به دوره اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند بقایای اتراق‌گاه‌های زمستانی (زمگه/ زمستان‌گاه) است که علاوه بر دو نمونه نسبتاً بزرگ آن‌ها، بقایای شماری از آن‌ها در جای‌جای منطقه و به‌صورت سنگ‌چین اطراف چادرها بر جای مانده است (Mortensen & Mortensen 1998; Mortensen, I., 1993). گورستان زردلان تقریباً در بخش میانی دره و در محدوده کنونی استان ایلام قرار دارد. این گورستان نسبتاً بزرگ، گورستان اصلی اهالی منطقه زردلان است. گورستان طی



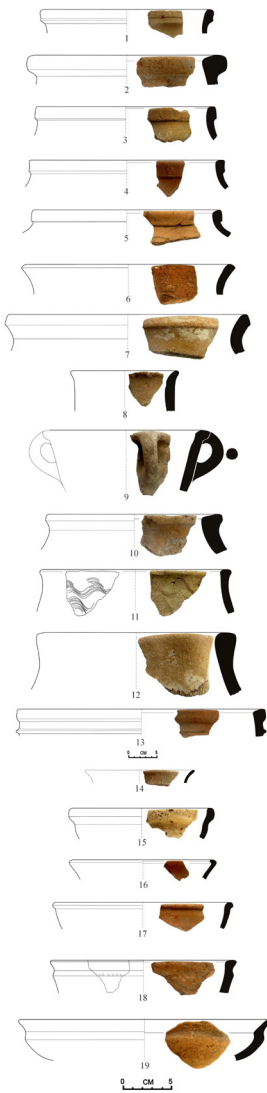
شکل ۶: سفال محوطه‌ی ۰۵۲ (دو آب تنگ گرمه)، (نگارندگان، ۱۳۸۹).



شکل ۷: سفال‌های محوطه‌ی ۰۸۰ (گراب)، (نگارندگان، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۲: نمایی از بقایای معماری در محوطه‌ی کلک تپاله (۰۱۷) (نگارندگان، ۱۳۸۹).



شکل ۸: سفال‌های شاخص دوره‌ی تاریخی و اسلامی محوطه‌های مختلف شناسایی شده (نگارندگان، ۱۳۸۹).

بررسی‌های حبیب‌الله محمودیان نیز شناسایی و مورد بازدید قرار گرفته و از آن به نام گورستان «تورم» یاد شده است (محمودیان ۱۳۸۹: ۱۱۴). گورستان (۰۵۹) در اراضی هموار دامنه ناهمواری‌های غرب سیمره و تقریباً مشرف به رودخانه قرار گرفته و فاصله ۲ تا ۲/۵ کیلومتری با روستای تورم دارد. گورستان دارای دو دسته قبور قدیمی و جدید است. گورهای قدیمی اغلب در بخش شرقی و جنوبی گورستان قرار گرفته‌اند و گورهای جدیدتر در میان دیگر گورها ایجاد شده‌اند. تمامی گورها دارای جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی هستند و اغلب دارای سنگ‌قبر هستند. ساختار گورها شامل گورهای ساده با یک سنگ‌چین مستطیل یا بیضی در سطح، گورهایی با سنگ‌قبرهای نوشته دار و گورهایی با سنگ‌قبر فاقد نوشته. در برخی موارد قبوری که دارای سنگ‌قبر هستند، دارای سنگ افراشته کوتاهی در بالای قبر هستند. این سنگ عموماً ساده و فاقد نوشته و تزیینات است و معمولاً ۶۰-۵۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد. سنگ‌قبرهای نوشته‌دار بیشتر دارای ۱۲۰ سانتی‌متر طول و ۴۵ سانتی‌متر عرض و ۱۵ سانتی‌متر ضخامت هستند و در روی آن‌ها نام متوفی، نام پدر، طایفه و تاریخ فوت نگاشته شده است. در بخش پایینی این قبور تصاویری از مهر، تسبیح، آفتابه و لنگ، شانه و قیچی تصویر شده است. به‌طور کلی گورستان زردلان را باید بر اساس سنگ قبور تاریخ‌دار به دوره زندیه و قاجاریه متعلق دانست.

گورستان دیگر در منطقه شرقی حوضه رودخانه سیمره واقع شده و به گورستان چراغان معروف است. چراغان را باید اندکی جدیدتر از گورستان زردلان و تنها به دوره قاجار تا به امروز تاریخ‌گذاری کرد. از بررسی این محل قبور قدیمی‌تر از دوره قاجار شناسایی نشد. در این محل نیز سنگ‌قبرهای مشابهی با گورستان زردلان وجود دارد. تنها تفاوت وجود سنگ‌قبرهای خیاری ایستاده است که نمونه‌های آن از بررسی گورستان زردلان شناسایی نشد. سنگ‌قبرهای مزین به تصویر یک‌سوار (به اعتقاد اهالی داوود از بزرگان اهل حق سوار بر اسب کبود) اصلی‌ترین گونه سنگ‌قبرهای این گورستان به‌شمار می‌روند که در سرتاسر منطقه نیز رایج‌اند.

نمونه این سنگ‌قبرها از دو قبرستان نزدیک به این محل یعنی از سرخ‌دُم‌لری (Schmidt et al. 1989: PL. 55a) در کوه‌دشت، گورستان پله کاو در هیلان (Mortensen, 1993: p. 138, 6.66-7; 2010, p. 120, Fig 29; p. 125, Figs.) و هم‌چنین گورستان اسلامی بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: شکل ۴) شناسایی شده است. با این حال گورستان‌های زیادی با این نوع سنگ‌قبر از مناطق شمال ایلام، استان لرستان و کرمانشاه وجود دارد که در گزارش‌های منتشر نشده بررسی‌ها این مناطق به آن‌ها اشاره شده یا در کتبی چون گورنگاره‌های لرستان به تفصیل درباره آن‌ها بحث شده است (فرزین ۱۳۸۴). به‌علاوه نمونه قبور با سنگ‌چین ساده از گورستان پله کاو هیلان در کنار دیگر سنگ‌گورهای پر کار معرفی شده است (Mortensen, 2010: 137, Fig. 71; p. 186, Fig. 43).

از دیگر آثار دوره اسلامی بقایای یک کانال آبرسانی و یک آسیاب مخروطی در تنگ گرمه در شرق کوه کران‌بزان و رودخانه سیمره است. در ابتدای تنگ گرمه و در نزدیکی محل موسوم به دوآب درست روبه‌روی تاسیسات و ساخت و سازهای موسوم به کلک تپاله یک کانال آبرسانی قابل مشاهده است که با استفاده از لاشه‌سنگ

و ملات گل و در مواردی گچ ساخته شده است. وضعیت این کانال هدایت آب به علت تخریب بخش‌هایی از آن به درستی قابل درک نیست. با این حال به نظر می‌رسد که این کانال وظیفه انتقال آب را از انتهای تنگ گرمه به آسیاب نادر و سپس اراضی دورتر به‌ویژه در شمال روستای چم قلا (چم قلعه) را داشته است. متأسفانه در حال حاضر تاریخ‌گذاری این دو سازه به علت فقدان هرگونه شاخص و مواد قابل تاریخ‌گذاری دشوار است، اما به نظر می‌رسد بتوان این دو را به دوره اسلامی (قرون متأخرتر) نسبت داد. به‌جز این ۴ مکان و اثر هیچ مدرک دیگری از دوره اسلامی به‌دست نیامد.

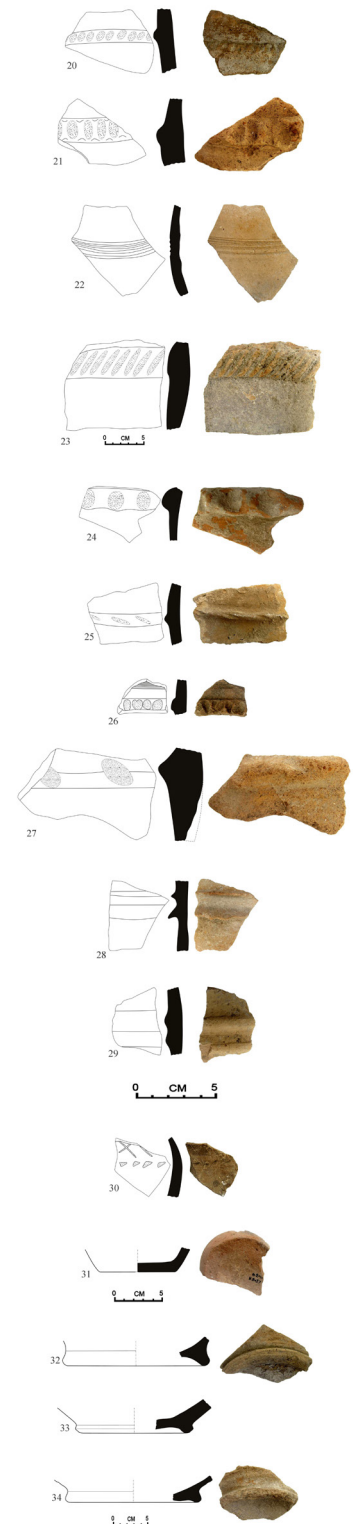
نتیجه‌گیری

بررسی و شناسایی باستان‌شناختی محدوده آب‌گیر سد کران‌بزان طی ۳۵ روز کار میدانی در بهار و تابستان ۱۳۸۹ به انجام رسید. در نتیجه این بررسی شمار زیادی محوطه‌های باستانی و تاریخی شناسایی گردید. شیوه بررسی در منطقه باعث گردید تا حد امکان تمام محوطه‌های باستانی که در چشم‌انداز منطقه پراکنده بودند و با بررسی‌های دقیق و پیمایشی سطحی قابل شناسایی بودند، شناسایی گردند. بهره‌گیری از عکس‌های ماهواره‌ای، نقشه‌های زمین‌شناسی و ترکیب این فعالیت‌ها با بررسی‌های فشرده این امکان را فراهم آورد که بتوانیم با برنامه‌ریزی منظم تمامی منطقه را با توجه به قابلیت‌های طبیعی و بوم‌شناختی‌اش مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم و در پایان بتوانیم چشم‌اندازی از گذشته تاریخی و فرهنگی منطقه را پیش‌رو قرار دهیم.

شناخت وضعیت زمین‌شناختی منطقه و مطالعه نتایج پژوهش‌های پیشین مورتنسن در دره هلیلان باعث گردید تا در شناسایی محوطه‌های دوره پارینه‌سنگی بسیار موفق باشیم. اتخاذ رویکرد بررسی پیمایشی برای منطقه‌ای که به زیر آب دریاچه سد می‌رفت باعث گردید تا در محدوده‌ای کوچک، مکان‌های پرشماری شناسایی شود. با توجه به شکل محوطه‌ها و وضعیت توپوگرافی دره، تنها با بررسی پیمایشی بود که می‌توانستیم این مکان‌ها را شناسایی کنیم.

به‌طور کلی بقایای فعالیت‌های انسان در دوره پارینه‌سنگی در تمامی منطقه مورد بررسی به‌دست آمد. تجزیه و تحلیل مقدماتی ابزارهای سنگی نشان می‌دهد که در دره چند دسته محوطه وجود دارد. کارگاه‌های ابزارسازی، محل‌های سلاخی، محوطه‌های مربوط به شکار و محوطه‌هایی که ترکیبی از این فعالیت‌ها را نشان می‌دهند. کشف محوطه‌های دره کران‌بزان در حد فاصل میان مجموعه غارها و محوطه‌های هلیلان، کوه‌دشت و هرسین این موضوع را آشکار کرد که زاگرس مرکزی هم‌چنان قابلیت‌های فراوانی را برای مطالعات باستان‌شناسی، به‌ویژه در دوره پیش از تاریخ دارد.

وضعیت دره در دوران پس از پارینه‌سنگی به کلی متفاوت است. تقریباً می‌توان گفت که دره در دوره نوسنگی تا اسلامی متأخر همواره خالی از سکنه بوده و تنها به‌صورت گذرا مورد سکونت یا استقرار موقت قرار گرفته است (هم‌اکنون نیز دره دارای ساکنان معدودی است و شمار روستاهای آن بسیار اندک و پراکنده است). در حال حاضر دلایل فقدان یا کمبود استقرارهای دوره نوسنگی به بعد به روشنی مشخص



شکل ۹: سفال‌های شاخص دوره‌ی تاریخی و اسلامی محوطه‌های مختلف شناسایی شده (نگارندگان، ۱۳۸۹).

نیست، اما ممکن است این مسأله را بتوان به نبود اراضی مناسب کشاورزی در دره و رخنمون سازند امیران که دارای لایه‌های شیل و میان‌لایه‌های آهکی است، مرتبط دانست. مکان‌های شناسایی شده از دوره‌های مختلف اغلب دارای یافته‌های پراکنده و نه‌چندان غنی هستند. که باید اغلب آن‌ها را بقایای استقرارگاه‌های گله‌داران یا گروه‌های کوچ‌رو و متحرک دانست. تنها به‌نظر می‌رسد که در دوره مفرغ، اشکانی و اسلامی است که به‌صورت منفرد و پراکنده شاهد وجود استقرارگاهی دایمی هستیم.

بررسی دره کران‌بزان نشان داد با چشم‌اندازی وسیع و محوطه‌هایی جالب از عصر سنگ روبه‌رویییم. بی‌تردید کاوش در محوطه‌های: گشور، دوآب، قلاجوق، کلک تپاله، ۰۶۷ و ۰۸۰ می‌تواند ما را در درک هرچه بهتر وضعیت باستان‌شناختی دره در دوره‌های مختلف یاری کند.

در پایان باید به نقش اساسی رودخانه سیمره در شکل‌گیری مکان‌های دوره‌های مختلف اشاره کرد. اغلب مکان‌های شناسایی شده در فاصله اندکی از رودخانه واقع شده‌اند، این وضعیت نشان‌دهنده وابستگی نزدیک محوطه‌ها به آب و منابع رودخانه در دوره‌های مختلف است. تنها در دوره پارینه‌سنگی است که باید بیش از هر چیزی به برون‌زد سنگ‌های مناسب ابزارسازی توجه کرد. الگوی مکان‌های دوره پارینه‌سنگی بیش از هر چیزی وابسته به منابع سنگ دره است.

سپاسگزاری

از پژوهشکده باستان‌شناسی برای حمایت از انجام این بررسی و از تمامی اعضای هیأت که این بررسی بسیار دشوار با هم‌دلی و هم‌راهی آنان به انجام رسید، صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌کنیم، بی‌شک بدون یاری آنان این کار راه به جایی نمی‌برد. از شکوه خسروی برای خواندن نسخه اولیه این مقاله و راهنمایی‌های همیشگی‌اش سپاسگزاریم. هم‌چنین از دکتر فریدون بیگلری و پرفسور پدر مورتسنس برای راهنمایی‌های ارزش‌مندشان طی روزهای بررسی میدانی و مطالعه یافته‌ها کمال قدردانی را داریم. از عطا حسن‌پور در اداره میراث‌فرهنگی استان لرستان برای همکاری‌هایش و از هم‌کاران و دوستان عزیز علی ایمانی، گلناز احدی و نازلی نیازی برای طراحی مصنوعات‌سنگی، از زهرا غفاری برای طراحی یافته‌های سفالی و اردشیر جوانمردزاده برای تهیه نقشه‌ها سپاسگزاری می‌نماییم.

کتابنامه

- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۳، توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان (زنجان)، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال‌غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی - پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، صص: ۴۵-۷۰.

- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۴، توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناختی سفال‌های دوران سلوکی، اشکانی و ساسانی، در بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، به کوشش عباس مقدم، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۱۶۵-۲۴۷.

جدول ۱: مشخصات سفال‌های طراحی شده محوطه دو آ تنگ گرمه ۵۲ (دوره مس وسنگ و مفرغ)

شماره طرح	شماره مکان	توصیف
۱	۵۲	بخشی از یک کاسه کوچک، خمیره قرمز، پوشش گلی رقیق قرمز بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، پخت کافی، چرخسار، ظریف، دارای تزیینات نقاشی به شکل یک باند پهن قهوه‌ای رنگ در سطح درونی ظرف نزدیک لبه.
۲	۵۲	بخشی از لبه یک کاسه با خمیره خاکستری، پوشش گلی به رنگ خمیره بر هر دو سطح، شاموت ماسه، پخت کافی، چرخسار، متوسط، فاقد تزیین.
۳	۵۲	بخشی از لبه یک قلع با دیواره عمودی، خمیره نخودی، پوشش گلی قهوه‌ای بر سطح خارجی و نخودی رقیق بر سطح درونی، شاموت ماسه و کاه، چرخسار، پخت کافی، ظریف، دارای تزیینات نقاشی به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای در سطح درونی و نزدیک لبه.
۴	۵۲	بخشی از لبه یک کاسه کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی رقیق بر هر دو سطح، شاموت ماسه و اندکی کاه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۵	۵۲	بخشی از لبه یک کاسه، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت کاه، پخت ناقص، دست ساز، متوسط، فاقد تزیین.
۶	۵۲	بخشی از لبه یک کاسه با دهانه باز، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی رقیق بر هر دو سطح، شاموت ماسه و اندکی کاه، چرخ ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۷	۵۲	بخشی از لبه یک کاسه دهانه باز، خمیره مودوده، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، شاموت کاه، پخت ناقص، متوسط، دست‌ساز، فاقد تزیین، سطح سفال به علت حرارت در رنگ شده.
۸	۵۲	بخشی از لبه یک قلع خمیره قرمز، پوشش گلی رقیق نخودی متمایل به نارنجی بر هر دو سطح، شاموت کاه و ذرات آهک دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۹	۵۲	بخشی از لبه چخالی یک قلع (club rim)، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، شاموت کاه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۱۰	۵۲	بخشی از لبه متمایل به داخل یک قلع، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و کاه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۱۱	۵۲	بخشی از لبه متمایل به داخل یک قلع، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و کاه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.
۱۲	۵۲	بخشی از لبه یک خمیره به بیرون، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و کاه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزیینات کنده بر شانه خارجی ظرف.
۱۳	۵۲	بخشی از لبه یک طرف با خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، چرخسار، پخت کافی، دارای تزیینات نقاشی به رنگ قرمز بر سطح خارجی ظرف.

جدول ۲: مشخصات سفال‌های طراحی شده محوطه ۸۰

شماره طرح	شماره مکان	توصیف
۱	۸۰	بخشی از لبه ظریف یک کاسه کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، چرخسار، پخت کافی، متوسط، بدون تزیین.
۲	۸۰	بخشی از لبه بر گشته یک خمیره کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخسار، پخت کافی، متوسط، بدون تزیین.
۳	۸۰	بخشی از یک کاسه کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخسار، پخت کافی، متوسط، بدون تزیین.
۴	۸۰	بخشی از لبه یک کاسه با (زوبانی در بدنه، خمیره قرمز و پوشش گلی غلیظ قرمز بر ه دو سطح، ماسه و خرده سفال، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزیین نقاشی به صورت نواری به رنگ سیاه در بالای لبه طرف سیاه).
۵	۸۰	بخشی از لبه یک خمیره دهانه باز، نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخسار، پخت کافی، متوسط، بدون تزیین.
۶	۸۰	بخشی از بدنه یک طرف خمیره مانند با خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق به رنگ خمیره در هر دو سطح، شاموت ماسه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزیین افروزه به صورت یک نوار برجسته در سطح خارجی.
۷	۸۰	بخشی از بدنه خمیره قرمز، پوشش گلی رقیق نخودی بر سطح خارجی، سطح درونی فاقد پوشش، شاموت ماسه نرم، دست ساز، متوسط، دارای تزیین نقاشی هندسی به رنگ سیاه بر سطح خارجی.
۸	۸۰	بخشی از لبه یک کاسه با (زوبانی در بدنه، خمیره قرمز و پوشش گلی غلیظ قرمز بر هر دو سطح، ماسه و خرده سفال، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزیین نقاشی سیاه با طرح‌های هندسی بر سطح خارجی).
۹	۸۰	بخشی از لبه محب یک طرف کاسه مانند، خمیره نخودی، پوشش گلی بر سطح خارجی، سطح درونی فاقد پوشش، شاموت سبک‌وزن و خرده سفال، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزیین.

تاریخگذاری پیشنهادی

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

مس و سنگ

آبروک/ مس و سنگ جدید

جدول ۳: مشخصات سفال‌های دوران تاریخی و اسلامی محوطه‌های دره کرمان بزان

شماره شماره مکان	توصیف	شماره شماره مکان
۱	بخشی از لوله عمودی یک طرفه، خمیده، نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و خرده آهک، پخت کافی، دست ساز، متوسط، فاقد تزئین.	۰۲۷
۲	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، شاموت شن، دست ساز، پخت ناقص، خمین، فاقد تزئین.	۰۲۷
۳	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، ظریف، فاقد پوشش	۰۹۶
۴	بخشی از لوله یک کوزه کوچک، خمیره دودزده، پوشش گلی، رقیق قهوه‌ای بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، دست ساز، پخت ناقص، متوسط، فاقد تزئین.	۰۲۷
۵	بخشی از لوله یک خمیره نخودی روشن، پوشش گلی رقیق در هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزئین	۰۷۵
۶	بخشی از لوله یک طرفه سفالی، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی متمایل به صورتی بر سطح خارجی و داخلی، اندکی صیقل شده، شاموت ماسه، پخت کافی، دست ساز، متوسط، فاقد تزئین	۱۱۷
۷	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی بر سطح خارجی، پوشش سطح درونی از بین رفته، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزئین	۰۹۶
۸	بخشی از لوله یک خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و خرده آهک، دست ساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزئین	۰۹۶
۹	بخشی از لوله و دسته یک سوسو، خمیره نخودی، پوشش گلی غلیظ نخودی بر هر دو سطح، شاموت شن، دست ساز، پخت ناقص، خمین، فاقد تزئین.	۰۹۷
۱۰	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نخودی، پوشش گلی غلیظ نخودی بر هر دو سطح، شاموت شن، دست ساز، پخت ناقص، خمین، فاقد تزئین.	۰۹۷
۱۱	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نخودی روشن، پوشش گلی نخودی روشن رقیق بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزئینات کهنه کنده مواج شده ای بر سطح خارجی	۰۹۶
۱۲	بخشی از لوله یک خمیره بزرگ، خمیره قهوه‌ای روشن، پوشش گلی نخودی تیره بر هر دو سطح، شاموت شن، دست ساز، پخت نسبتاً کافی، خمین، فاقد تزئین	۰۱۷
۱۳	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره قهوه‌ای متمایل به نخودی، پوشش گلی رقیق قرمز بر سطح داخلی و نخودی بر سطح بیرونی، شاموت ماسه و سنگ‌ریزه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، تزئینات افزوده و برجسته بر سطح خارجی.	۰۲۷
۱۴	بخشی از لوله یک کاسه کوچک، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نخودی متمایل به نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، ظریف، فاقد تزئین	۰۹۷
۱۵	بخشی از لوله یک طرفه سفالی، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه و گاه چرخساز، پخت ناقص، متوسط، فاقد تزئین	۱۱۷
۱۶	بخشی از لوله یک کاسه کوچک، خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، ظریف، فاقد تزئین.	۰۹۸
۱۷	بخشی از لوله یک کاسه نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، ظریف، اندکی صیقل شده.	۰۹۸
۱۸	بخشی از لوله یک کاسه با لوله تخت، خمیره قرمز، پوشش گلی هر دو سطح از بین رفته، شاموت خرده سفال، دست ساز، پخت ناقص، متوسط، دارای تزئینات کهنه بر شانه طرف	۰۶۷
۱۹	بخشی از لوله یک کاسه زروقی شکل، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، ماسه نرم، دست ساز، ظریف، پخت کافی، فاقد تزئین	۰۷۷
۲۰	بخشی از بدنه یک خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی، شاموت ماسه دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزئینات برجسته و فشاری توام	۰۶۷
۲۱	بخشی از بدنه یک خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزئینات افزوده و فشاری بر سطح خارجی	۱۱۷
۲۲	بخشی از لوله یک خمیره کوچک، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی بر هر دو سطح، شاموت شن، دست ساز، پخت ناقص، خمین، فاقد تزئین.	۰۲۷
۲۳	بخشی از بدنه یک خمیر بزرگ، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی بر سطح بیرونی، سطح درونی فاقد پوشش، شاموت خرده سفال فراوان، دست ساز، خمین، پخت کافی، دارای تزئینات برجسته و فشاری توام بر سطح خارجی	۰۶۷
۲۴	بخشی از بدنه یک خمیره نارنجی، پوشش گلی رقیق نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، پخت کافی، متوسط، دست ساز، دارای تزئینات افزوده و فشاری بر سطح خارجی.	۰۹۷
۲۵	بخشی از بدنه یک خمیره قهوه‌ای روشن، پوشش گلی نخودی تیره بر هر دو سطح، شاموت شن و ذرات آهک، دست ساز، پخت نسبتاً کافی، خمین، دارای تزئین برجسته نواری در سطح خارجی.	۰۱۷
۲۶	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نخودی متمایل به صورتی، پوشش گلی رقیق نخودی متمایل به صورتی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، دست ساز، پخت ناقص، متوسط، دارای تزئینات افزوده و فشاری توام و نقوش کهنه شانه ای نواری.	۰۹۶
۲۷	بخشی از بدنه یک خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی، شاموت ماسه دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزئینات برجسته و فشاری توام	۰۷۷
۲۸	بخشی از بدنه یک خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، پخت کافی، متوسط، دست ساز، دارای تزئینات افزوده بر سطح خارجی طرف.	۰۹۷
۲۹	بخشی از بدنه یک خمیره قهوه‌ای روشن، پوشش گلی نخودی تیره بر هر دو سطح، شاموت شن و ذرات آهک، دست ساز، پخت نسبتاً کافی، خمین، دارای تزئین برجسته با یک نوار کافی با اثر فشار	۰۱۷
۳۰	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نخودی متمایل به صورتی، پوشش گلی رقیق نخودی متمایل به صورتی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، دست ساز، پخت کافی، متوسط، دارای تزئینات کهنه در سطح خارجی	۰۹۶
۳۱	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نارنجی متمایل به قهوه‌ای، پوشش گلی رقیق نارنجی، شاموت ماسه، دست ساز، پخت ناقص، متوسط، فاقد تزئین	۰۲۷
۳۲	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نارنجی متمایل به قهوه‌ای، پوشش گلی نارنجی بر هر دو سطح، شاموت ماسه نرم، چرخساز، پخت کافی، ظریف، فاقد تزئین.	۰۲۷
۳۳	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی بر سطح خارجی و لباب طوسی روشن بر سطح درونی، شاموت ماسه، چرخساز، پخت کافی، متوسط، فاقد تزئین	۰۹۶
۳۴	بخشی از بدنه یک طرفه سفالی، خمیره نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی بر هر دو سطح، شاموت ماسه، دست ساز، متوسط، پخت کافی، فاقد تزئین.	۰۹۷
تاریخ‌گذاری پیشنهادی	نمونه قابل مقایسه	
اشکانی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۶: ۳	
تاریخی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۸: ۱	
اشکانی	خسروزاده و عالی ۱۳۸۷، طرح ۵: ۸	
تاریخی	Keall & Keall 1981, Fig. 13: 31	
اشکانی	زهبر ۱۳۸۷، شکل ۸۵: ۱۵۸	
تاریخی؟	Keall & Keall 1981, Fig. 13: 8	
دوره اشکانی		
تاریخی؟		
اشکانی	زهبر ۱۳۸۷، شکل ۵۸: ۱۵۵	
اشکانی	زهبر ۱۳۸۷، شکل ۱۹: ۱۵۱	
اشکانی	سلیمان‌بی ۱۳۸۴، شکل ۵: ۸۹	
دوره اسلامی		
اشکانی	زهبر ۱۳۸۷، شکل ۳۶: ۱	
تاریخی/	Keall & Keall 1981, Fig. 11: 14	
ساسانی		
اشکانی	خسروزاده و عالی ۱۳۸۴، شکل ۱۰: ۲۵	
اشکانی	سلیمان‌بی ۱۳۸۴، شکل ۱۶: ۷۷	
اسلامی		
اشکانی	1970, Abb. 25: 4, 1973, Kleiss Abb. 22: 27, 1985, Abb. 5: 2;	
اشکانی	Keall & Keall 1981, Fig. 19: 28	
دوره اشکانی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۱۰: ۱	
اشکانی	کلابیس ۱۳۸۵، الف: ۹	
اشکانی	Keall & Keall 1981, Fig. 27: 4	
اشکانی	Keall & Keall 1981, Fig. 27: 9	
تاریخی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۸: ۱	
دوره اشکانی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۶: ۱	
اشکانی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۲۳: ۷	
اشکانی	علی بیگی ۱۳۸۹، طرح ۲۸: ۵	
دوره اسلامی	سلیمان‌بی ۱۳۸۴، شکل ۳: ۸۳	
اشکانی	Keall & Keall 1981, Fig. 27: 4	
اشکانی		
اشکانی		
اشکانی		
دوره اسلامی	زهبر ۱۳۸۷، شکل ۳۷: ۱۵۳	
اشکانی	کلابیس ۱۳۸۵، الف: شکل ۷	
قرن‌های میانی	سلیمان‌بی ۱۳۸۴، شکل ۱: ۷۹	
دوره اسلامی		
اشکانی	خسروزاده و عالی ۱۳۸۴، شکل ۳: ۵۲	

- دارابی، حجت، امیر بشکنی، مانا جامی‌الاحمدی و اردشیر جوانمردزاده، ۱۳۹۰، بررسی محوطه‌های پارینه‌سنگی دشت مهران، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، صص: ۱۴-۳۰.
- دهقانی‌فرد، حسن، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش طرهان و کونانی کوه‌دشت، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه، تهران: پازینه، مدیریت میراث‌فرهنگی استان مرکزی.
- سلیمانی، شهربانو، ۱۳۸۳، توصیف و طبقه‌بندی سفال‌های دوران اسلامی میاناب، در بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، به کوشش عباس مقدم، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۲۹۹-۴۱۱.
- علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم، شماره سوم، صص: ۳۹-۶۹.
- علی‌بیگی، سجاد و خسروی، شکوه، ۱۳۹۲، تأثیر انتخاب استراتژی بررسی‌های باستان‌شناختی در شناسایی محوطه‌های باز عصر سنگ: یادداشتی درباره ارتباط میان اهداف و روش‌ها در بررسی دره کران‌بزان، زاگرس مرکزی، چکیده مقاله‌های همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، به کوشش: محمدحسین عزیزی‌خرانقی، مرتضی خانی‌پور و رضا ناصری، تهران: انجمن علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران، صص: ۱۸-۱۹.
- محمودیان، حبیب‌الله، ۱۳۸۹، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بخش هلیلان، حوزه زردلان، آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده).
- مرادی، بابک، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان‌شناختی محوطه، غار و پناهگاه‌های صخره‌ای شهرستان کوه‌دشت، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- مرادی، ابراهیم، ۱۳۸۷، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان شیروان و چرداول: بخش هلیلان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده).
- کابلی، میرعابدین، ۱۳۶۷، گزارش کاوش گورستان کان گنبد ایلام، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان ایلام (منتشر نشده).
- کلایس، ولفرام، ۱۳۸۵ الف، محوطه معروف به دامنه پارتی، در بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص: ۱۰۵-۱۱۹.
- کلایس، ولفرام، ۱۳۸۵ ب، یادداشت‌های مربوط به گزارش‌ها و یافته‌های دهکده بیستون، در بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص: ۳۷۹-۴۰۲.

- فرزین، علیرضا، ۱۳۸۴، گورنگاره‌های لرستان: پژوهشی مردم‌شناختی در نقش و مضمون سنگ‌گورهای لرستان، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

- Alibaigi, S., K.A. Niknami, M. Heydari, M. Nikzad, M. Zainivand, S. Manhobi, S. Mohammadi Qasrian, M. Khalili, and N. Islami 2011. Palaeolithic open-air sites revealed in the Kuran Buzan Valley, Central Zagros, Iran, *Antiquity, Project Gallery*, Vol. 085, Issue 329.

- Braidwood, R. J., 1960 a. Seeking the World's First Farmers in Persian Kurdistan: a Full Scale Investigation of Prehistoric Sites Near Kermanshah, *Illustrated London News* 237: 695- 697.

- Braidwood, R. J., 1960 b. Preliminary Investigations Concerning the Origins of Food-Production in Iranian Kurdistan, *British Association for the Advancement of Science* 17: 214-18.

- Braidwood, R. J., 1961. The Iranian Prehistoric Project, 1959-1960, *Iranica Antiqua* I: 3- 7.

- Braidwood, R. J., B. Howe, and C. A. Reed 1961. Iranian Prehistoric Project, *Science* 133: 2008-2010.

- Darabi, H., A. Javanmardzadeh, A. Beshkani & M. Jami- Alahmadi 2012. Paleolithic Occupations in the Mehran Plain in southwestern Iran, *Documenta Praehistorica* 39: 443-452.

- Dayson, R. 1966. Excavations on The Acropolis at Suse and Problems of Suse A, B and C, Ph. d Dissertation, Harvard University.

- Emberling, G., J. Robb, J. D. Speth & H. T. Wright 2002. Kunji cave: Early bronze burials in Luristan, *Iranica Aantiqua* XXXVII: 47- 104.

- Goff, C. 1971. Luristan before the Iron Age. *Iran* XI: 131-52.

- Haerinck, E. & B. Overlaet 2006, Bani Surmah, An early bronze age graveyard in Pusht-I Kuh, Luristan, *Acta Iranica* 43, PEETERS.

- Haerinck, E. & B. Overlaet 2008, The Kalleh Nisar Bronze age graveyard in Pusht- I Kuh, Luristan, *Acta Iranica* 46, Luristan Excavation Document VII.

- Kleiss, W., 1970. Zur Topographie des Partherhanges in Bisutun, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Band 3*: 133-68.

- Kleiss, W., 1973. Qaleh Zohak in Azarbaijjan, *AMI, Band 6*, P.p. 163-88.

- Kleiss, W. 1985. Der Saulenbau von Khorha, *AMI* 18: 173- 180.

- Keall E. J. and M. J. Keall 1981. The Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach, *Iran*, XIX, 33-80.

- Matthews, R. 2002, Secrete of The Dark Mound, Jamdat Nasr 1926-1928, *Iraq Archaeological Reports* 6, British School of Archaeology in Iraq.

- Meldgard, J., P. Mortensen & H. Thrane. 1964. Excavation at Tepeh Guran, Luristan. *Acta Archaeologica* 34: 97-133.

- Moradi, B. & F. Bakhtiari. 2010. A note of Resent Paleolithic survey in Kouhdasht region, the Lorestan province, Iran, *Iranian Archaeology*, 1: 38-41.

- Mortensen, I. 1993. Nomad of Luristan, History, Material Culture, and pastoralism in western Iran, Thames and Hudson, Rhodos international science and art publishers.

- Mortensen, I. 2010. Luristani pictorial tombstones studies in nomadic cemeteries from northern Luristan, Iran, *Acta Iranica* 47, PEETERS, Leuven-Paris-Walpole, MA.

- Mortensen, I. D., and P. Mortensen, 1989. On the Origin Of Nomadism in

Northern Luristan, Pp. 929-951, in *Archaeological Iranica et Orientalis, Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe, L. De Meyer and E. Haerinck*, (eds.), Gent.

- Mortensen, P., 1974 a. A survey of early prehistoric sites in the Holailan valley in Lorestan, in *Proceedings of the 2nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, F. Bagherzadeh (ed.), Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research, Pp: 34–52.

- Mortensen, P., 1974 b. A Survey of Prehistoric Settlements in Northern Luristan. *Acta Archaeologica* 45: 1–47.

- Mortensen, P., 1975. Survey and sounding in the Holailan valley 1974, in *Proceedings of the 3rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, F. Bagherzadeh (ed.) Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research, Pp: 1–12.

- Mortensen, P., 1976. Chalcolithic settlements in the Holailan valley, in *Proceedings of the 4th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, F. Bagherzadeh (ed.), Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research, Pp: 42–62.

- Mortensen, P., 1979. The Hulailan survey: a note on the relationship between aims and method. *Akten des VII Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie, München 1976 (Archäologische Mitteilungen aus Iran Suppl. 6)*: 3–8. Berlin.

- Mortensen, P., 1993. Paleolithic and Epipaleolithic sites in the Hulailan valley, Northern Luristan, in *The Paleolithic prehistory of the Zagros-Taurus*, D.I. Olszewski & H.L. Dibble (ed.), Philadelphia: University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania, Pp: 87–159.

- Mortensen, P., 2012. From the Epipaleolithic to the Neolithic in northern Luristan, in *Archaeological Report (8), Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Western Region*, Research centre of Iranian C.H.H.O, Iranian Centre for Archaeological Research, pp: 47- 54.

- Mortensen, P., and P.E.L. Smith 1977. A Survey of Prehistoric Sites in The Harsin Region, 1977, In *Proceedings of the VI th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, F. Bagherzadeh, (ed.), Tehran: Iranian Center for Archaeological Research, Pp.1-23.(Unpublished).

- Olszewski, D.I., H. Dibble, U. Schurmans, Sh. McPherron and J. Smith, 2005. High Desert Paleolithic Survey at Abydos, Egypt, *Journal of Field Archaeology* 30(3), pp. 283-303.

- Schmidt, E., M. Van Loon & H. Curvers 1989. *The Holmes Expeditions to Luristan*, with contribution by: Brinkman. J. A., Vol. 1 & 2, OIP, Chicago.

- Stein, S. A., 1940. *Old Routes of Western Iran*. London.

- Thrane, H., 1965. Archaeological investigations in western Luristan. *Acta Archaeologica* 35: 153–68.

- Thrane, H. 2001. *Excavations at Tepe Guran in Luristan: the Bronze Age and Iron Age periods (Jutland Archaeological Society Publications 38)*. Moesgaard: Jutland Archaeological Society.

- Vanden Berghe, L. 1968. *Het Archeologisch onderzoek naar de bronscultuur van Luristan opgraving in Pish-I Kuh, Kalwali en War Kabud (1965-1966)*, Brussel.

- Vanden Berghe, L. 1973. *Researches Archéologiques dans le Luristan*, *Iranica Antiqua* X: 1- 113.

- Wright H. T., J. A. Neely, G. A. Johanson & J. D. Speth 1975. Early Fourth millennium development in south western Iran, *Iran* 15: 129- 148.

to use. The assemblages are consisted of Acheulian bifacial as well as large chopping tools, cores, scrapers and other Lower Paleolithic tool types as well as including a variety of the Middle Paleolithic industry such as large tools were generally made by the Levallois techniques. Considering the spatial pattern of sites and studying the distribution frequency of tools and their technological characteristics may applied that the Kuran Buzan valley attracted the different groups of Pleistocene's hunter-gatherer; as the availability of resources could reinforced the living struggles of populations.

During the later periods which plant cultivations become dominant, the only way of life in the region, the shortage of accessible lands which were restricted just to the patchy alluvial terraces of the Seymareh River banks prevented the valley being occupied by the farmer societies. Through this research we found that the geographical location of Kuran Buzan valley which is linked to the known Paleolithic areas in the north to Kermanshah, Mahidasht and Sarfrouzabad as well as to Hulailan in the west and to Kuhdasht in the east may account for existence of a networking system through which the Kuran Buzan tool makers were interacted technologically with their peripheral neighbors.

Keywords: Archaeological Systematic Survey Strategy; Kuran Buzan Valley; Seymareh River; Central Zagros, Paleolithic; Raw material.

PAZHOHESH-HA-YE
BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology
Faculty of Art and Architecture
Bu-Ali Sina University

Archaeological Investigations of Kuran Buzan Valley in Central Zagros

Sajjad Alibaigi

Ph. D. Candidate in Archaeology, Department of Archaeology, University of Tehran
sadjadalibaigi@gmail.com

Kamal-Aldin Niknami

Professor in Archaeology, Department of Archaeology, University of Tehran

Received 2013/02/18 - Accepted 2013/07/04

Abstract

The Kuran Buzan valley is a long and narrow valley located in Central Zagros mountainous region comprising the eastern parts of modern Luristan as well as the north eastern parts of Ilam provinces. The environment of valley and the flow of Seymareh River in the center of valley have given potentially the valley an ideal space attracting the human colonies from the very early times through nowadays. Locating the real sequences of human occupations and their distributions across the valley, a systematic archaeological survey of the area have conducted in spring 2010. Since the dam construction in the area seemed to have threatened the archaeological sites and also because of the topography of the valley which would obscured the sites appearances, a full coverage and intensive gridded system of survey was applied to enhance the probability of finding not only the actual locations of sites but rather off-site material which were assumed to be distributed all around the valley. Applying such technique in an area about 71 km², we were able to explore some 110 Paleolithic sites as well as some sites from the various cultural periods (2 sites as Neolithic, 1 site as Chalcolithic; 2 sites as Bronze Age, 7 sites belong to the historical period and 7 to the Islamic era). These, are including Paleolithic open sites, Neolithic open sites, Chalcolithic and Bronze Age settlement, 1 historical fortress, some historic sites with distribution of pottery, a watermill, a channel and a cemetery from Islamic period.

Sites could be attributed to the Lower (3 sites) and Middle Paleolithic (107 sites) while we could not identified the Upper Paleolithic/Epi-paleolithic episodes yet. This could be attributed to the geophysical patterns of the area where many natural cherty outcrops (Amirn formation) and some other raw material are easy to access on the surface made it possible the Paleolithic stone tool makers were able